

تصاویر دو متهم پرونده به همراه کشفیات پلیس از مخفیگاه آن‌ها

دوچرخه سرتنی به همراه تعداد درخو
توجهی قتل و لوازم دوچرخه را از محل
کشف کردند.

شرف احمد نگهبان می‌افزاید: در
میان کشفیات مأموران ما یک دستگاه
خودروسواری زانتیا نیز توقیف شد.
خودرویی که توسط متهم چند مرتبه به‌طور
حرفه‌ای رنگ آمیزی و به‌طور غیرمجاز تغییر
رنگ داده شده‌است. متهم از این خودرو نیز
برای انتقال دوچرخه‌های سرتنی استفاده
می‌کرده‌است.

عمر کمی پیدا می کند و با کشف برخی مستندات، او سرانجام به حرف می آید. در اظهاراتش مشخص می شود که شوهرش دوچرخه ها را از سارقان خریداری و بعد در باغ ویاغ رنگ آمیزی می کرده و با مالغی ارزان در بازار روزهای اطراف مشهد می فروخته است.

● پرده آخر: زانتایی که چندمرتبه تغییر رنگ داده شده است

از آموران لباس شخصی پلیس، این فرد را زیر نظر گرفته و او را به مدت چند روز رصد کند.

دو چرخه‌های کار کرده یکی پس از دیگری به داخل باغ ویلایی در انتهای بولوار شاهنامه انتقال داده می‌شوند و روز بعد دو چرخه‌های نو لاسپیک شده از آن‌جا خارج می‌شوند و در برخی بازارهای محلی به فروش می‌رسیدند. آموران در فرضیه سرقی بودن دو چرخه‌ها را مطرح با موضوع مال خری مسروقه تحقیقاتشان را پیش بردند. میکروپی‌های پلیس تا جایی ادامه داشت که آموران با هماهنگی قضایی، خود را جای مشتری جاذبه به سراغ منتهم‌نهاد.

بجریانمانه‌اش را شروع می‌کند و زمانی می‌گذرد که تنه عریان دو چرخه‌ها تغییر رنگ یافته و سبندار می‌شوند و از پلاستیک بیج‌شدن در صف فروش آفرار می‌گیرند.

خودش معترف است که دهه سندهای موه‌پرده جلیلی هستند. درست شبیه موه‌پوش که دشتش را برای قانون رو کوبیده دوم؛ مشتریانی که مأمور از آب زارآمدند

گروهی از مأموران تحقیق، خود را به عنوان مشتری جازده و در یکی از بازار روزهای محلی (در اینجا به دلیل خدشه‌دار شدن بازار روز نام آن آورده نشده است) دو چرخه سوختی از آمدن مرد جوان خریداری کرده بودند و همین مدرک جرم، ضمیمه پرونده‌اش شده بود. دو چرخه‌های مارک‌دارش و همین مدرک قیمتی که ارزش کار کرده آن‌ها به ۵ میلیون تومان هم می‌رسید، متهم دو چرخه‌ها را کمتر از ۱۰ میلیون تومان می‌فروخت.

مانی مأموران کلانتری فردوسی برای بررسی این پرونده وارد عمل شدند که از شکایت منابع خبری اطلاعاتی از رفت‌وآمد مشکوک مردان زانتیا سوار به آن‌ها اعلام شده بود. طری که موجب شد تا گروهی

گزارش

۲۸ سال دارد و زمانی که مأموران او را در باغ ویلای دو اتفاده دستگیر کرده بودند، خودش را با هویت جعلی معرفی می‌کند. اسم و فامیلی که با این مشخصات وجود دارد و مأموران قانون می به این موضوع می‌برند. سرانجام با کشف کارهای شناسایی از مخفیگاه این شخص، هویتش فاش می‌شود. مردی سی و هشت ساله که دارای سابقه کیفری است و پنج سال حبس تعلیقی در کارنامه‌اش دارد. سابقه مال باغی در خیانت در امانت و فروش مال غیر برایش ثبت شده است.

۲شنبه
 ۱۲ تیر ۱۴۰۲
 ۱۴ ذی الحجه ۱۴۴۴
 شماره ۳۹۷۸
 ۰۸
 SHAHRANNEWS.IR



آخر خط

قسمت اول

فکر کنم هنوز که دارند توی کلاتری ور می‌زنند، گیج باشند که یهو چه شد که وحید توی خانه‌شان سرک کشید و جیغشان را درآورد. حالا هم کنارم نشسته و مدام می‌خندد. می‌گوید: «توی فیلم افتاد؟» گوشی را نگاه می‌کنم. می‌گویم: «افتاده.» می‌دانم مثل همیشه همین صحنه‌امی خواهد برای استوری مردم سرودست می‌کشند برای دیدن این چیزها. خدای داند امشب چند نفر آن را ببینند.

و حید می گوید: «مشب باید کوچ کنیم». این یعنی اشب
می‌رویم لانه کلاغ؛ خانه‌های طریقه. سنا هستن. لانه‌های منوش،
که یک الونک ته یک کوچ می‌رفته است. اسی از محلله‌ها می‌داند
عین کندوی زنبور است و بین آن هم آدم فقیر و بیچاره کم
می‌شود. لانه کلاغ، که همین خانه‌ای است که اشب باید
برویم، چون حتماً اوضاع حسابی بی‌ریخت شده. سومی هم
کاخ کلوخ است، و حید می‌گوید خانه‌ها نباید قافیه داشته
باشند. بدشگون است. کاخ کلوخ آن قدر دور است که برای
فرارهای اساسی است، اشب با این بلبشوی که راه می‌افتد
حتمارمان را می‌زنند. برای همین اول می‌رویم لانه کلاغ بعد
اگر بلبشو نتوانید، برنیم به چاک جاده و خودمان را برسانیم
به کاخ کلوخ. یک چیزی است شبیه به معلوم قدیمی مترو که
با دالان‌های تو در تو کاره‌گلی که بشود نیست در حوزة
محتاطی که باید پنهان باشد. در نه‌بای ما را بر معاینه‌های آواره
ولگرد اشتباه بگیرند. و حید فکر همه‌ها را کرده، گیر انداختنمان
کار هر کسی نیست. پیرزن حتماً هنوز توی کالتری دارد داد
می‌زند: چرا چرا؟ چرا؟ و حید گفت: «ایونو کار نداشته باشیم،
ما همین چرا چار کردن برونه است که مشب». من می‌گویم ما
همین چرا چار کردن خودش را دیوانه داد و وگرنه خدا می‌داند
و حید چه بلایی سرش می‌آورد.

نوشان را انداخت توی صندوق عقب ۲۰۶ که اسمش ز
گذاشته خرنج، چون فکر می کرد چشم های خرنج ها
فیفا هشت شکلی است. او را توی یکی از زمین های خالی
میان راه را در کولم، نور گوشتی را که انداخته توی صورتش،
اشک و آب دماغش قاتی بود. وحید نعره زد: «بدو! پسرک عین
جن سیاه توی تاریکی دودید. به سمت تاریکی های بیشتر
که معلوم نبود به کجا می رسند. منی دانم آخرش چطور قرار
است را از خانه رها پیدا کند. لحا وحید اینجا نشسته و همراه
آهنگ زروخیلشن روی فرامی ضرب گرفته. گوشتی را و مشر
می کند و می گوید: «لایوامشب می ترکونه، محکم می زندروی
شانام. ام بعد می گوید: «تقصیر خودشن، سوسی که با ما
ز بهیفته... بلند دان می زند: «خودشان کرده
بودن. اما امسخر کردند. توی کوچ که تپ چرخ زده بودند و عریده و
ما را او میگرد. آخرش کفر وحید درامد که پرشان را بچینیم.
فلان و بهمان. آخرش کفر وحید درامد که پرشان را بچینیم.
وحید گفت: فقط روشن نه... چنگشونو هم باید بچینیم، و
همیشه خندیده بود. همین بود که خانه پیرمرد را نشان
کردید و شیخون زدم. خاوم سر راه، قبل از لانه کاغذ باید
یک کارهایی بکنیم.

ادامه دارد

پلیس

شهرا را فرمانده انتظامی شهرستان خواف از فوت چاه کن سی و پنج ساله در هنگام حفاری و لای رویی یک چاه خبر داد. سرهنگ جواد خروستی در پی اعلام خبر مرگ مشکوک فردی در خواف خراسان در پی بررسی‌های مأموران انتظامی به همراه نیروهای امدادی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. وی افزود: به حضور مأموران کالتری نشینان در محل و بررسی‌های اولیه، مشخص شد که متوفی در حال کندن و لای رویی یک چاه در داخل زمین‌های کشاورزی درروستای کجنه بوده است که درعقد زیاد، دچار گازگرفتگی می‌شود و جانش را از دست می‌دهد. کارگر شصت‌ساله همراهش هم دچار مسمومیت می‌شود. سرهنگ خروستی خاطرنشان کرد: جسد متوفی با همکاری نیروهای امدادی چاه‌پرونی کشیده شد و با هماهنگی مقام قضایی توسط اورژانس، برای تحقیقات بیشتر به پزشکی قانونی منتقل و کارگر مسموم‌شده نیز به‌مراکز درمانی منتقل شد.

دندان‌ساز افردی که به سرعت کابل‌های برق دست می‌زد، جان‌ساز از دست داد. مرگ مشکوک که سوزی شهرزدان محدود و خیابان‌ام‌ها دادی^(۴) به پلیس اعلام شد و مأموران کالتری آب‌کو به برهمه ریزهای امدادی به قناتر خیابان‌ام‌ها دادی^(۵) و بلوار پیامبر اعظم^(ص) کشاند. اما در بررسی‌های اولیه پلیس، مشخص شد که سارق حدودی سه‌ساله، هنگام پریدن کابل‌های برق از یک تیر برق فشار قوی، دچار برق‌گرفتگی شده است. این در بافاصله به‌مرکز درمانی منتقل می‌شود اما با وجود تلاش پزشکان به علت شدت برق‌گرفتگی، جان‌ساز از دست می‌دهد.

ابوعطا او مرد و یک زن درون پراید
پلاک مخدوش در نیمه شب، ظن
هر عابری را برمی انگیزاند، چه
بروه گشت کلانتری شفا را که این خودرو
بنان مشکوکش را در حوزه استحقاقی شان
ده بودند.

ده با هویشاری ماموران کلانتری شفا
جریان افتاد. افسران این کلانتری با
ه خودرو مشکوک در بولوار ابوطالب، به
دستور ایست دادند، اما راننده نه تنها
به دستور پلیس نکرد، بلکه به قصد فرار،
از راتا انتها فشرده.

که شاهد گریختن این خودرو با دو مرد و یک زن بودند، بلافاصله عملیات و گریز را آغاز کردند. اما متهمان به باز دستورهای پلیس توجهی نکردند و در جاده لجابت می‌گریختند تا اینکه شلیک‌های پیاپی هوایی پلیس، آن‌ها میخکوب کرد.



مقصود این حادثه آشنایی برای دریافت خدمات درمانی به بیمارستان حضرت موسی بن جعفر^(ع) شهرستان قوچان منتقل شدند.

علی‌شاهی درباره جزئیات حادثه دوم نیز بیان کرد: ساعت حدود ۱۴، حادثه انفجار در حوالی روستای سراب‌آباد، واقع در جاده کمربند سبز مشهد به سامانه ۱۱۵ اورژانس مشهد اعلام شد.

وی با اشاره به اعزام دو آمبولانس به محل بیان کرد: این انفجار در مجتمع بیمارستان رخ داده بوده که سه نفر از مصدوم شده بودند که بلافاصله مجروحان دریافت خدمات درمانی به بیمارستان امام رضا^(ع) مشهد منتقل شدند.

ابوعطا دیروز دو حادثه، یکی در نزدیکی قوچان و دیگری در یکی از روستاهای جاده کمر بند سبز، های اورژانس ۱۱۵ را به محل حادثه امدادگران توانستند هشت مصدوم این راه را به بیمارستان منتقل کنند و از خطر نجات دهند.

مدیر روابط عمومی اورژانس دانشگاه علوم
شبهه، نخستین حادثه فاجعه دیروز ۲۰ دقیقه
صاعت ۱۳ به اورژانس اطلاع رسانی شد. در
نیمه یک دستگاه تریلی و یک خودرو سمن
با حاملان با یکدیگر برخورد کرده بودند.
لیشاهی با بیان اینکه حادثه در جاده
فوقان مقابل روستای الماخر رخ داده
کرد. شدت حادثه به حدی بود که با وجود
کنسین های اورژانس با یک آمبولانس در
محل آمبولانس از هلال احمر نیز در محل
شد.
پس از انجام اقدامات درمانی اولیه، پنج

[illegible]